

اَرْمَعَانَا

شماره (۹-۱۰) آذر و دی ۱۳۰۶

در اردی بهشت ۱۳۰۷ انتشار یافت

عدل - امان - صحت

آبادی و ثروت و سعادت و زندگی هر ملک و ملت نتیجه عدل و امان و صحت و برعکس خرابی و فقر و ذلت و مرگ لازم لاینفک ستم و آشوب و مرض است تاریخ ایران چندانکه بقیه قری بر گردیم تا هزار سال قبل اینگونه عدالت و امنیت و حفظ و صحت که در عصر شاهنشاه ایران پناه پهلوی در ایران نمودار شده نشان نمیدهد. ما که استخوان شکسته دوره ستم و هرج و مرج هستیم و امروز که مومیای عدالت و امنیت را را قدر میشناسیم و بها میگذاریم بنام شکران و ادای حق شناسی در این شماره ۹ - ۱۰ که خاتمه سال هشتم است و بعد از آن سال نهم ارمغان آغاز میگردد تمثال بیمثال این شاهنشاه ایران پناه را زینت و رونق صفحات ارمغان و فال سعادت و نیک بختی خود و تمام ایرانیان قرار داده دوام این دولت ابد مدت را بدعا از درگاه خداوند خواستاریم و در ضمن بطریق اختصار در هر سه موضوع (عدل - امان - صحت) بقدر طاقت و وسع خویش سخن میرانیم.

(تمثال بی مثال شهنشاہ پهلوی کز وی گرفته مرزکهن رونق نوی)



(این است آن دعا که بگیتی است مستجاب پاینده زنده باد شهنشاہ پهلوی
(عدل)

انوشیروان فرماید: عدل و داد پادشاهی و کشور را باروئی است
سخت بنیان که آب آشوب و آتش فتنه زمین و سنک حادثه آسمان رخنه
در ان نتواند کرد کاخ عدالت را قریب یگسالست در این کشور ستمکش
شالوده ریخته اند و عنقریب از مرگز تا محیط مملکت را امنیت مالی و
جانی و ناموسی فرا خواهد گرفت و تنها با همین سرمایه فقر ما بغنا و خواری
بعزت و خرابیها بابادی مبدل خواهد گشت.

اگر در تمام ولایات نظیر عدلیه اصفهان تشکیل گردیده و پس
از شب سیاه ستم چنین روز سپید عدالت دمیده باشد مملکت را بابادی

و آزادی و سلطنت را بدوام و استقلال ابدی باید تهنیت گفت .
 تمام اهالی ایران مخصوصاً سکنه اصفهان این نکته را نیز باید
 در نظر داشته باشند که هنور گرگان آدمی خوار مایوس و نومید نیستند
 و بهر وسیله برای تجدید دوره ظلم و غارتگری تشبث دارند . چنانچه
 یکی از قضاة بدعمل که در حوزه‌های مأهوریت خود ویژه شهر اصفهان
 جنایات تاریخی یادگار گذاشته شنیده میشود که از محکومیت در محکمه
 انتظامی در محکمه تجدید نظر وسائل تبرئه خویش را فراهم ساخته و
 میخواهد باز ایش ستم را در ولایات روشن کند .

در اینگونه مقامات اگر ملت ایران عدالت را قدر شناسند باید
 متحد يك صدا باستان شاهنشاه عدالت کستر تظلم کرده و در خواست
 کنند که تمام انتظام عدالت محکمه انتظامی را محفوظ و خیانت کاران
 را بکیفر برساند و گرنه در مملکتی که وسائل تبرئه از جنایت و غارت
 موجود باشد چراغ عدالت بزودی خاموش خواهد شد

(امان)

هر چند نعمت امنیت امروز سر تا سر مملکت ایران را فرا
 گرفته ولی دشمنان امنیت نیز چون اعدای عدالت از کار باز نمانده و
 امیدوارند که بار دیگر بنام ایلخانی و غیره با دسته های دزد مسلح در
 مملکت مشغول قتل و غارت گردند !

اشخاصیکه بنام حکومت و ایلخانی گیری برق خرمن جان و مال
 و نا موس اهالی ایران بودند مانند خزغل و سردار ظفر و جنک و دیگران
 که امروز کمند قدرت شاهنشاه ایران پناه پهلوی دست تظاول آنانرا بریسنه
 و در طهران زندانی ساخته دقیقه از خیالات فاسده اسوده نیستند و مسلم
 هر فتنه و فسادى در هر گوشه مملکت پیدا شود و خون پاك نظامیان
 در تمام نقاط ایران هر کجا ریخته شود بدست فتنه این قبیل اشخاص

است و بس

جنایات پی در پی در بلوک چارمجال بختیاری از قبیل قتل و غارت
 قریه فارسون و بر خلاف اوامر ا کیده دولت گرفتن باج راه و پل از
 رعایای قریه قهفرخ و غارت احشام و اغنام و کشتن و مجروح ساختن
 بیست نفر رعیت بضر ب گلوله آیا جز بدست این اشخاص است ؟
 دولت و مجلس باج راه را الغا میکنند اما ایلخانی بختیاری
 علی رغم دولت بگرفتن باج و قتل و غارت رعیت فرمان مؤکد میدهد؟
 اعلیحضرتا

يك نفر پیشوای اسلام و مجتهد مسلم (آقا جلال الدین دهکردی)
 در چارمجال بوظیفه مسلمانان و همراهی با مقاصد اسلامی و ایرانی شاهنشاه
 بزرگ قیام کرد و دوست هزار رعیت چارمجال را از پشت کوه و پیش
 کوه عدالت و مراحم شاهانه امید وار ساخت و بر خلاف دشمنان
 سعادت ایران مسئله نظام اجباری را از واجبات برای مسلمانان شمرد
 و بهمین سبب دشمنان امن و عدالت و سائل شهادت او را علمنی فراهم ساخته
 در برابر چشم زن و فرزند او را با فجیع ترین وضع قطعه قطعه ساختند !!
 این نکته جالب توجه است که حکمران چارمجال که همواره مردم را
 تبلیغ باطاعت خوانین و از دولت مأیوس میگردد روز قبل از شهادت حجة الاسلام
 از دهکرد خارج شده در صورتیکه مأمورین نظام اجباری تازه وارد
 شده بودند و موقع مقتضی خروج حکمران نبود و اگر خارج نمیشد این
 واقعه جانگدازیش نمی آمد و یکی از دوستان صمیمی و عشاق حقیقی
 سلطنت پهلوی بدرجه شهادت میرسید.

اعلیحضرتا

روزی امنیت در این مملکت بر قرار است که تمام ایل نشینان
 مطابق آرزوی خودشان رعیت و ده نشین شده اسم و رسم ایلخانی از
 این مملکت بر افتد.

اهالی ایل در همه جا ایرانی و پاک عقیده و شاه پرست میباشند

و همه از ظلم و ستم ایلخانی ها که از هر مرغ يك بیوه زن یکتومان باج میگیرند بجان آمده و منتظر روز عدالت و امنیتند که با فراغت حال بزراعت و سوداگری مشغول گردیده از این زندگی کثیف خانه بدوشی و زحمت کشی و غارتگری برای دیگران نجات یابند

صحت

اهالی طهران از صغیر و کبیر وضع و شریف پیر و جوان با تمام لوازم صحت از قبیل طیب و دوا همه پشمرده و زرد رنگ و بیخون و بی حس و خمیده و بی نشاط . علیل و لاغرنند بر عکس اهالی شهر های دیگر - خصوصاً سکنه قراء و صحرا نشینان قوی بنیه - سرخ رنگ - صحیح المزاج - نشاطمند - و در میان آنها مرد و زن صد ساله فراوان یافت میشود در صورتیکه در طهران هفتاد ساله هم وجود ندارد. سبب این واقعه آنست که اساس حفظ الصحة در طهران خرابست یعنی اصول زندگی و معیشت از قبیل نان و آب و غذاهای عمومی از دست رفته و تابدست نیاید اگر تمام اطباء عالم و دواهای دنیا را هم بطهران بیاورند ثمری نخواهد داشت .

نان و آب و سایر غذاهای عمومی

از برکت وجود اداره ارزاق ده سال است نان عمومی طهران صدی بیست و پنج تا پنجاه خاك و مواد سیمی دارد . همان گندمی که برای خانه دار وارد میشود در اداره ارزاق هم میاید ولی خانه داران صحیح دارد و عموم اهالی از برکت وجود اداره ارزاق سنگ و خاك و هزار چیز دیگر

کیفیت آب طهران هم بر احدی پوشیده نیست و شرح آن مایه خجلت و سر افکنندگی است

ماست و پنیر و شیر که غذای عمومی و گاهگاه هم دواي مرض بحسابند در طهران وجود ندارد و هر کس در ده یا ایل ماست و پنیر

دیده است میفهمد که ما چه میگوئیم

مسلم در اروپا اگر چنین نان و آب و ماست و تخم مرغ گندیده و شیر مصنوعی که در طهرانست پیدا شود اطبا ممانعت از خوردن آن خواهند کرد. با این آب و نان و غذاهای عمومی باز هم غنیمت است که هنوز يك طایفه بنام توده ملت بی خون و حس و علیل مالاریائی و مسلول در طهران زنده اند و اگر عادت تدریجی در کار نبود بایستی يك ساله شهر تهران از سکنه تهی بماند. رئیس حفظالصحه البته بخوبی میدانند که با این غذا و خوراک مداوا و معالجه کار بیفایده است و اگر تمام دواهای عالم را بجسم نحیف این ملت انترکسیون کنند ثمری نخواهد داشت. تا در این باب چه چاره اندیشد و کدام اقدام را بعمل آرد خانه از پای بند ویرانست خواجه در فکر نقش ایوانست

(درخت)

بزرگترین سرمایه حفظ صحت و دفع امراض در هر جا کثرت اشجار است چنانچه در همین طهران پنجاه سال قبل که درخت کم بوده مرض و بابومی شده و همه سال در تابستان شهر را قتل عام میکرده است. و از بیست سی سال باینطرف کثرت اشجار این مرض و اغلب امراض

دیگر را دفع کرده و میکند. ولی از آغاز مشروطیت جمعی نفع یرست برای اینکه از بریدن اشجار و درختان شهر جیب و کیسه های تهی را بینبازند درخت های ملکی حریم های مردم را مال دولت اعلان کرده سپس هر سالی چندین هزار اصله درخت کهن سال را قطع ساخته و بجای آنها تا کنون يك درخت نتوانسته اند عمل بیاورند.

و اگر حال بدین منوال باشد عنقریب شهر از درخت تهی و امراض مسریه مانند وبا و غیره باز دیگر بمردم هجوم خواهند کرد

برای آنکه چنین امراض روز مبادا پیش نیاید ما نظر قانون گذاران مجلس و کار گذاران دولت مخصوصاً رئیس محترم بلدییه را که در آبادی شهر از هیچگونه جدیت فرو گذار نمیکنند به پیشنهاد ذیل متوجه میسازیم

پیشنه‌ا

(بر طبق قانون شرع و عرف و مصلحت عموم درختان حریم های شهر متعلق بصاحبان آنها باشد ولی بدون اجازه بلدییه احدی حق بریدن درخت نداشته باشد .

و هر صاحب خانه نیز مجبور باشد که حریم های خانه خود را مطابق دستور بلدییه درخت کاری و مواظبت کند .

در ایصورت صد هزار خانه دار طهران هر کدام سالی لا اقل پنجاه درخت میکارند و در نتیجه سالی ده ملیون درخت در طهران و هم در تمام شهر های دیگر بنسبت خودشان کاشته شده بحفظ صحت عمومی و فراوانی آب و بنازان و هزار ها فواید دیگر همراهی بزرگی خواهد شد .

یکی از علل قطع اشجار و کم شدن درخت بلکه خرابی آنها و آب انبار ها کار بی رویه است که دو سه سال قبل مهندسین دیمی بلدییه از راه نادانی انجام دادند . آب در همه جای عالم برای توده ملت مجانی است ولی این مهندسین قوی فکر آب انبار و باغچه و باغ های شهری را مساحت کردند و يك زرع را غالباً پنج زرع نوشتند سپس از روی زرع بدون ملاحظه سکنه و جمعیت مالیات سختی بر آب انبار و باغچه ها بستند و ناچار اغلب صاحب خانها درخت ها را قطع و باغ و باغچه را ساده ساخته آب انبار های بزرگ را کوچک کردند

دفع این ظلم عمومی و کار بی رویه مهندسين بلديه هم برعهده
ياك رئيس محترم بلديه و اداره حفظ الصحه و ساير علاقمندان با بادی شهر
و صحت اهالی است !!

منافع عمومی درخت را تمام انبیا و حکما و شعرا در نظر داشته
اند و اگر شمه از گفتار آنان را بنگاریم (مثنوی هفتاد من کاغذ شود)
نظامی فرماید

(درخت افکن بود کم زندگانی بدرویشی کشد نخجیر بانی)

در اخبار نبوی است که درخت کار بعمر صد ساله طبیعی میرسد
و درخت افکن را دست ضعیف در جوانی بدیار عدم میفرستد کیفیت سرو
کاشغر مشهور است در سابق در مجله ارمغان هم نکاشته شده است
(حوض)

چون اسم حوض در میان آمد مناسبت دارد که نظر اداره حفظ الصحه
را بطرف این قتلگاه عمومی هم متوجه سازیم
حوض در ایران معلوم نیست از چه زمان رواج یافته و در
هیچ خانه نیست که دویا بیشتر طفل صغیر را خفه نکرده باشد
هیچ خانواده نیست که از شر حوض و طفل کشی آن محفوظ مانده باشد.
میکروب مالاریا و کثافت و عفونت هم یکی از نتایج وجود حوض است
با اینکه ابله هزار يك حوض كودك کشی نیست اهالی اروپا این
مرض سخت آسمانی را از راه علم امروز موفق بر رفع و دفع شده ابله کوبی
را مجانی و اجباری ساخته اند چاره حوض علم پاستور را لارم ندارد
همین قدر يك توجه مختصر اداره حفظ الصحه کافی است که یا بکلی حوض
را برانداخته یا مضار و مفسد آنرا دفع سازد.

افیون

یکی از سوم کشنده عمومی افیون (ترياك) است که امروز در
تمام دنیا استعمال آن ممنوع و در ایران فقط آزاد است و مفسد این دشمن

نژاد برای این مملکت از سیاست سارا نفولرد کرزن هزار درجه بیشتر است .
مفاسد افیون چون در قسمت مسابقه بنظم و نثر نگاشته می شود
و انشاءالله در ج-امعه مؤثر خواهد شد در این مقام بیش از این
سخن نمی رانیم .

(شهرنو)

نقطه مقابل اداره حفظالصحه شهر نواست زیرا در این مکان
مکروب سنیلیس و سوزاک و سایر امراض مسریه نموده و بوسیله مسافرین
و مأمورین دولت مرکز و محیط مملکت را فرا گرفته و میگیرد و اگر
احصائیه درست در دست داشتیم معلوم میشد که قطع نفس ایرانی بهمین
وسيله آغاز گردیده و اگر چاره نشود بنسل و نژاد کیان عنقریب انجام
تام خواهد داد .

در آلمان و انگلستان هنوز يك فاحشه خانه رسمی وجود ندارد
و هر جا وجود دارد دولت از امراض مسریه جلوگیری میکند . ولی در
ایران با اینکه مملکت اسلامی و این عمل ممنوع شرعی است فاحشه
خانه ازاد وسیله امراض مسریه از این سرچشمه در تمام مملکت جاری است .
ایکاش لا اقل از جوانان محصل این آزادی سلب میشد و بجای
علم و تحصیل سفیلیس و سوزاک برای خانواده های خود از دور و نزدیک
تحفه و سوقات نمیدادند .

در این اواخر شنیدیم که يك نفر آلمانی بستن فاحشه خانها
را در تمام عالم بمجمع اتفاق ملل پیشنهاد کرده ولی مجمع اتفاق ملل که
بنام طرفداری نوع بشر مانع از زراعت افیونست معلوم نیست که این پیشنهاد
را بپذیرد !

باری اساس حفظالصحه در ایران همین است که ما نگاشتیم و
بدون این اساس سایر اقدامات نقش بر آب خواهد بود . (وحید)